

گزارش «شرق» از پردشدگی بیماریانی با ظاهر متفاوت

## دیوارهای اشتباه

هرکدامشان را به شکلی طرد کردند؛ یکی توان جنگیدن داشته اما دیگری از رنج زیاد بیماری فرصتی برای این جنگ نابرابر پیدا نکرده، یکی را با وجود صورت زیبا و جوان ولی نیمه‌فلجش، دیگری را با بشاشی چهره اما سری بدون مو کنار گذاشتند؛ کنارگذاشتن‌هایی که تنها ابزارش یک نگاه، یک حرکت ساده در بدن یا حتما یک کلام سرد است و همین برای شروع درد شدیدی در جانشان کافی است تا یادآور بسیاری از بی‌عدالتی‌ها باشد.

صفحه ۶

## در «شرق» امروز می‌خوانید: پایان رؤیای ترامپ ۲۰۲۴، «شرق» از جلسه مشترک هماهنگی مجلس و دولت گزارش می‌دهد، اولین جایزه مطبوعاتی «انصاف» برگزیدگانش را شناخت و یادداشت‌هایی از ناصر ذاکری، مریم زنده‌دل

## سرمقاله

## «جنگ انحرافی» اسرائیل – روسیه



کیومرث اشتریان

یکم. چشم‌انداز روسیه از جهان یک نظام چندقطبی از مجموعه‌های جداگانه‌ای از کشورهاست که هریک دور یک «کشور» گرد آمده‌اند. البته روسیه در نگاهش به شرق می‌خواهد ببیند که کشورهایی که قرار است رهبری آنها را به‌عهده بگیرد، آیا هنوز «حیله‌گر و ساده‌لوح‌اند»؟ «آلکسی دروبینین» مسئول تدوین دکترین سیاست خارجی روسیه با توجه به تغییرات شرایط بین‌المللی و برهم‌خوردن نظم جهانی می‌گوید هنوز مشخص نیست چند کشور و چه کشورهایی به قطب‌های آتی تبدیل شوند اما «سازنده‌ترین و پایدارترین راه»، تشکیل مجموعه‌های سیاسی با تمدنی مشترک دور یک کشور رهبر مانند روسیه است. «سرگنی میخیف» دیگر تنورنسیسن حکومتی روسیه می‌گوید: گرایش به شرق مستلزم رویارویی با فضا، ذهنیت، رفتار و طرز فکر ناآشنای کشورهای شرقی است و روسیه باید کشف کند آیا حیله‌گری شرق همچنان از ویژگی‌های این کشورهاست یا آنها نیز در سال‌های اخیر دچار تحول شده‌اند. کشاندن پای ایران به «جنگ انحرافی اوکراین» هم‌زمان آزمونی برای عدم حیله‌گری ایران و تثبیت رهبری روسیه بر «کشورهای دوست» است.

دوم. اسرائیل در دهه‌های اخیر روابط مستحکمی با روسیه و چین برقرار کرده است و از این روابط علیه ایران بهره می‌گیرد، هم در سوریه و آذربایجان و هم در شیخ‌نشینان. این رژیم تاکنون از درگیری مستقیم با ایران اجتراز کرده است و مواجهه را از سویی با محاصره ایران و از سوی دیگر با روش جدیدی که «جنگ انحرافی» نام دارد، به انجام می‌رساند. واردکردن ایران به منازعه اوکراین یک «جنگ انحرافی» و گونه‌ای دیگر از جنگ نیابتی است. اسرائیل برای این کار از سوارشدن بر علایق استراتژیک روسیه که در بالا به آن اشاره شد، بهره می‌برد، ازاین‌رو او نیز بسیار تمایل دارد که پای ایران را به جنگ اوکراین باز کند. این، یک جنگ انحرافی ست؛ اوکراین باتلاقی برای کشور است و می‌تواند مانند پرونده هسته‌ای پسای ایران را به منازعه‌ای تاریخی، دامنه‌دار و جهانی باز کند که هیچ سوودی از آن متصور نیست. بی‌تردید روسیه نیازی به بهیاد و ماهواره و موشک ایران ندارد. برای اسرائیل و روسیه ورود ایران به جنگ اوکراین بازی دو سرر برد است. این مطالب چیزی نیست که از دیده‌ها پنهان باشد و نیاز به هوش بالایی برای درک آن وجود داشته باشد. پس حتما دلائل دیگری وجود دارد که کاهی

«شوخی‌های سیاسی» در ایران جدی می‌شوند. کار به جایی رسیده است که در لایه‌های اقشار مذهبی در جامعه ایران مدح روسیه ترویج می‌شود و کاروانی طولانی از «اسکورت» رئیس‌جمهور روسیه در تهران به راه می‌افتد تا ابهت «پوتین روسی» به «توده‌ها یادآوری شود. الحق که چنین روزهایی از برخی افراد موچه و روزنامه‌نگاران باسابقه انتظار نمی‌رفت که با کوله‌باری از تجربه سیاسی و عزت و آبرو، نه که سکوت کنند، بلکه توجیه‌گر چنین وضعیتی باشند که جنبش «توده نفتی»‌ها را به یادمان آورد. شما را چه شده است؟ به خود آییند! ایراد و انتقاد به برخی فعالان سیاسی در جناح مخالفان ازآن‌رو بود که چشم و دل به‌سوی غرب داشتند. چطور می‌توانید نحوه استقبال و «زبان بدن» برخی مسئولان را در استقبال از پوتین ببینید؟ خوشبختانه صحنه‌آرایی نشستن رئیس‌جمهور روسیه مانند یک شخصیت درجه دوم در برابر رهبری متفاوت از این فضا بود. «دشمن‌انگاری» روسیه برای ما نه مفید است و نه واقعی اما سفیر روسیه نمی‌داند که انتشار تصویرش با مجسمه «گریبایدوف» و راه‌انداختن «کارناوالی» از خودروهای مقامات روسی در خیابان‌های تهران چهره روسیه را در میان ایرانیان مخدوش می‌کند و بر روس‌هراسی دامن می‌زند؟ آیا این است «رویارویی با فضا، ذهنیت، رفتار و طرز فکر ناآشنا»ی ایرانیان؟ اما باور من این است که انتشار آن تصویر و راه‌اندازی این «کارناوال» در خیابان‌های تهران تعمدی است و البته بر اساس تحلیلی غلط. به‌نظرم تحلیل آنان این است که باید به این هراس دامن بزنند و به ایرانیان هشدار بدهند که «ضرب‌شست» روس‌ها را همسواره باید جدی بگیرند. این طبیعی است که روابط ما با روسیه باید قوی و بر اساس منافع مشترک باشد. طبیعی است که روسیه در برخی مواضع با هم‌راستاست و باید این هم‌راستایی افزون شود. اما ارتباطات قوی با «هم‌بیمانی»، «اتحاد»، «پیروزی»، «اتلاف» و …» ضرورتا یکی نیست. هریک از این مفاهیم وزن سیاسی-نظامی-امنیتی جداگانه‌ای دارند. زیاده‌دروی در چنین رویکردی، با توجه به فقدان ظرفیت‌های لازم، حتی به رابطه با روسیه آسیب می‌زند. روسیه هرلحظه که اندک ضرری برای خود متصور شود، با شما همان خواهد کرد که آمریکا با هم‌بیمانشان می‌کند؛ بلکه عربان‌تر و بی‌برده‌تر.

ادامه در صفحه ۱۰

### خانواده محترم فرهنگ

**درگذشت مادر گرامیتان را تسلیت عرض می‌کنیم و از درگاه خداوند متعال برای آن مرحومه رحمت و مغفرت واسعه و برای خانواده محترم صبر و شکیبایی مسئلت داریم.**

**امیر مظاهری و خانواده**



یکشنبه ۲۳ مرداد ۱۴۰۱ • ۱۶ محرم ۱۴۴۴ • ۱۴ آگوست ۲۰۲۲ • سال نوزدهم • شماره ۴۳۴۸ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰۰ تومان

یک محیط‌بان گلوله‌باران شد؛ قاتل، پدر شکارچی غیرقانونی بود که پیش‌تر به دست این محیط‌بان کشته شده بود

# تراژدی در کرمانشاه

گزارش تیتریک را در صفحه ۱۰ بخوانید



## زور تلویزیون

**واکاوای حواشی بازی عصر جمعه استقلال و سپاهان؛ سیما در مقابل درخواست سرخابی‌ها برای حق پخش ژاویه دوربین را محدود کرد**

**سجاد فیروزی؛ حق پخش تلویزیونی برای فوتبال ایران به بحرانی جدی تبدیل شده است. در شرایطی که بسیاری از باشگاه‌های ایرانی به‌ویژه دو باشگاه مطرح استقلال و پرسپولیس، سال‌های زیادی است با مشکلات اقتصادی و بدیهی‌های سرسام‌آور مواجه هستند، مطالباتشان برای دریافت حق پخش تلویزیونی به مشکل برخورد است.**

در جدیدترین اتفاق رخ‌داده، در روز پیش و در آستانه برگزاری رقابت‌های فصل جدید لیگ برتر، مسئولان دو باشگاه مطرح تهرانی با نوشتن نامه‌ای به رئیس صداوسیمایخواستار آن شده‌اند تا حق پخش واقعی به فوتبال پرداخت شود و اینکه شبکه‌های اینترنتی اجازه پخش زنده یا غیرزنده بازی‌های دو تیم را نداشته باشند.

ضمن اینکه خواسته شده تا تصاویر و ویدئوهای دو بازی استقلال و پرسپولیس به غیر از پخش زنده، دیگر در هیچ برنامه تلویزیونی مورد استفاده قرار نگیرد. این نامه با واکنش مسئولان صداوسیمای مواجه شده و آنها

### یادداشت

## دشواری حقوقی محیط‌بانی



سیدعلی مجتهدزاده

حقوق دان

چالش‌های حقوقی و حرفه‌ای محیط‌بانی در ایران قدمتی چندین‌ساله دارد اما قتل شنیع محیط‌بان، برومند نجفی آن‌هم در مقابل مجتمع قضاتی کرمانشاه، چالشی تازه را پیش‌روی این‌ حرفه قرار می‌دهد. اتفاقی که پیش از ظهر دیروز رخ داد، از لحاظ حقوقی از درجه اهمیت فوق‌العاده بالایی برخوردار است؛ چراکه نشان‌دهنده آسیب‌هایی جدی در ضوابط و قوانین مختلف کشور است. به عبارتی اتفاق رخ‌داده را باید محصول برخی قوانین غیراستاندارد، غیرمنطقی با واقعیت و ناکارآمد دانست. نظام حقوقی کشور اگر از هوشمندی لازم برخوردار باشد، نباید از کنار این اتفاق به‌سادگی گذشت و در آن یک قتل معمول ارزیابی کند. در این نوشتار به‌طور قطع نمی‌توان به تمام زمینه‌های حقوقی این رویداد اشاره کرد اما طرح کلیتی از بخشی از آنها ضروری به نظر می‌رسد.مهم‌ترین نکته شایان ذکر در این موضوع، وجود آسیمی در فرایندهای دادرسی و همین‌طور منظومه قوانین کشور است که باعث شده در موارد متعددی، طی‌شدن فرایند دادرسی قانونی و صدور احکام قضائی برای طرفین یک دعوی افتاح‌کننده به نظر نرسند. شاید موضوع قدری محل چالش باشد؛ ازاین‌رو که به‌هرحال در هر دعوای قضائی عموما یک طرف بازنده وجود دارد که حتما تمایلی به نتیجه دیگری نداشته. این در هر نقطه‌ای از جهان تقریبا صادق است. طرفین دعای تمام تلاش خود را برای پیروزی می‌کنند اما موفقیت یک نظام حقوقی جایی است که بتواند طرف بازنده را به‌واسطه نظامات و ابزارهای مختلف قانع به قبول شکست کند. درست مانند یک مسابقه ورزشی که تمام قوانین، ضوابط و همین‌طور اقدامات مقامات برگزارکننده آن از نظر فلسفی به این نقطه ختم می‌شود که طرف بازنده، یعنی چه تیم ورزشی و چه هوادارانش و حتی بقیه ناظران بی طرف، عادلانه و قانونی بودن آن شکست را بپذیرند.برای چنین هدفی یک نظام حقوقی (درست

مانند همان نظام حقوقی-اجرائی برگزارکننده یک مسابقه ورزشی) نیازمند داشتن عنصری به نام صلابت است. این صلابت دو وجه دارد؛ یکی وجه فیزیکال، سخت و حتی خشن آن و دیگری وجه روانی، اجتماعی و منطقی آن. باهم با مثال مسابقه ورزشی پیش می‌رویم. در یک مسابقه هم باید پلیس، تجهیزات امنیتی، ورزشگاه محل برگزاری و نظایر اینها به اندازه کافی صلابت فیزیکال و سخت برای جلوگیری از بروز خشونت و هرج‌ومرج داشته باشند و هم از آن سو، قوانین عادلانه، دآوری دقیق و برگزاری منطقی بازی هم باید رعایت شود. رعایت عوامل دوام باعث می‌شود تا زمینه رفتارهای آشوبگرانه توسط یک تیم یا هوادارانش به حداقل برسد و مضافا اینکه در صورت بروز، برخورد پلیسی سخت و متقابل با آن مقبولیت اجتماعی داشته باشد.

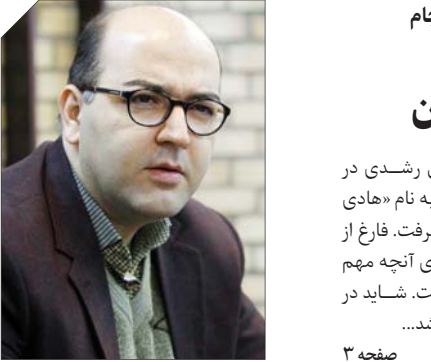
ادامه در صفحه ۴

بررسی ادعاهای اخیر مبنی بر ارتباط احیای برجام با ترورهای موجود در گفت‌وگوبا دیاکوحسینی

### برجام زیر سایه امواج الوان

عبدالرحمن فتح‌اللهی؛ بعدازظهر جمعه، سلمان رشدی در یک مراسم سخنرانی در نیویورک از سوی فردی به نام «هادی مطر»، ۲۴ساله ساکن نیوجرسی مورد حمله قرار گرفت. فارغ از ابعاد و زوایای این اقدام و شخصیت سلمان رشدی آنچه مهم جلوه می‌کند، ارتباط این ترور با احیای برجام است. شاید در ظاهر بین این دو مسئله ارتباطی وجود نداشته باشد...

صفحه ۳



بررسی هزینه فعالیت روس‌ها در پروژه‌های حمل‌ونقلی به بهانه حضور در خط آهن کرسمار- اینچه‌برون

## روس‌ها گران کار می‌کنند

## شاهکار تکواندو در قونیه ۱۵ ورزشکار ۱۳ مدال



شاعر «ارغوان» در انتظار آرامش ابدی

## سایه‌روشنِ ابتهاج

با یادداشت‌هایی از:

فرخ نگه‌دار، نادر شهریوری(صدقی)، سعید رضوانی

## یادداشت‌روزنامه‌نگاران

## سفرهای استانی نمادین یا نمایشی؟



محمدمهاجری

رسانه‌های دولتی از پایان دور اول سفرهای استانی آقای رئیسی در سال اول ریاست‌جمهوری خیر داده‌اند و وعده جدید این است که این اتفاق از سر گرفته می‌شود. سفرهای استانی (به شکلی که وجود دارد) میراث احمدی‌نژاد است که در دوران روحانی نیز کم‌وبیش (به جز زمان شیوع کرونا) تکرار شد و آقای رئیسی نیز به آن همت متضائف گمارد. حتما دیدار با مردم استان‌ها و شهرستان‌های مختلف پیامدهای مثبتی دارد که شاخص‌ترین آن، احساس مثبتی است که ارزش قائل‌شدن مقامات عالی در شهروندان دور از پایتخت ایجاد می‌کند. با این حال، روشن است که شخص اول اجرائی کشور در یک سفر استانی یک تا یک‌ونیم روزه، در مرکز استان اتراق می‌کند یا حداکثر به یک یا دو شهر اطراف سر می‌زند. معنای این رفتار آن است که سفر رئیس‌جمهور، بیشتر جنبه نمادین دارد.

منظور از نمادین صرفا تشریفاتی نیست. لاید در این سفرها در شورای اداری از پیش برنامه‌ها تنظیم می‌شود و تعداد زیادی تصمیم (که قبلا از سوسی سازمان‌های ذی‌ربط تأیید شده) در قالب گزارش ارائه می‌شود و با حضور رئیس‌جمهور، مهر تصویب می‌خورد. تکبیر گفته می‌شود و برای اجرا ابلاغ می‌شود. می‌ماند بودجه‌اش که در دولت احمدی‌نژاد، خودش یک چالش بزرگ بود و در دوره روحانی، به وعده‌های ماهرشده تبدیل شد و در دولت رئیسی هنوز اطلاعاتی در دسترس نیست. سفرهای آقای رئیسی، تداعی‌گر دوره احمدی‌نژاد است با این تفاوت که در آن دولت، تاراول‌های ۵۰ هزار تومانی بین مردم تزییق می‌شد و امروز چنان پول‌های نفتی بادآورده‌ای وجود ندارد.

اما سفرهای استانی با همه خوبی‌اش (ازجمله آشنایی مستقیم رئیس‌جمهور با مشکلات خاص هر منطقه پس از مدتی تکراری و بی‌اثر می‌شود و دیگر چنگی به دل نمی‌زند. هرچند ممکن است رئیس‌دولت، دوست داشته باشد دفعه دوم و سوم برای پیکیری مصوبات قبلی به استان برود؛ اما چون از حرارت اولیه آن کاسته شده، صرفا به تشریفات بسنده می‌شود. با این همه سفرهای استانی در یک حالت می‌تواند فایده میان‌مدت و شاید درازمدت داشته باشد. این حالت آن است که تجربیات سفر و رسیدگی موردی به مشکلات منتج به ایجاد یک سیستم منسجم شود و قالب یک معادله ریاضی را پیدا کند. اگر نه حل موردی مشکلات هیچ‌گاه به وحدت رویه نمی‌انجامد و چون کارها قائم به سفر استانی و حضور شخص رئیس‌جمهور است، به حل مسائل رضی، محدود و فوری منحصر می‌شود. براساس این، سفرهای استانی رئیس‌جمهور باید، در مدتی نه‌چندان بلند با شیب نامناسب کاهش یابد.

سخنان آقای رئیسی در کرمان مبنی بر اینکه دولت از مردم و با مردم است و حضور در جمع مردم را مایه مباهات می‌داند، تا آنجا که برای برانگیختن احساسات شهروندان لازم است، توجیه‌پذیر به حساب می‌آید؛ اما بیش از آن، به پیوپولیسم نزدیک می‌شود که آفت بالذوق هر دولتی است.

ادامه در صفحه ۵

### یادداشت

## برنامه هفتم توسعه و مسائل پیش‌روی کشور



احسان هوشمند

کشور در حالی ماه‌های پایانی اجرای برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را پشت سر می‌گذارد که مشخص نیست چه میزان از اهداف برنامه ششم توسعه کشور محقق شده یا حتی چه میزان از برنامه اجرائی شده است؟ تاکنون پنج برنامه توسعه در دوره قبل از انقلاب و شش برنامه نیز در دوره جمهوری اسلامی در کشور مصوب و اجرا شده است، اما همچنان کشور با مسائل عدیده و متنوع توسعه‌ای دست‌وپنجه نرم می‌کند. بر اثر اجرای برنامه‌های توسعه و عمرانی پیش از انقلاب درآمد سرانه ایرانیان رشد قابل توجهی داشت و درآمد ناخالص ملی نیز چند برابر شد. پیش‌بینی شده بود در صورت استمرار اجرای برنامه‌ها در سال ۱۳۷۰ سطح زندگی ایرانیان به سطح زندگی اروپاییان نزدیک شده و در اوایل دهه ۸۰ خورشیدی، سطح زندگی ایرانیان برابر با کشورهای فرانسه، انگلیس و ایتالیا باشد. البته در عمل اجرای برنامه‌های پنج‌ساله عمرانی پیش از انقلاب به ناموزونی بخش‌های مختلف اقتصادی منجر شد و ضمن رشد تورم به افزایش واردات در کشور منجر شد به‌گونه‌ای که پایانه‌های ورودی کشور توان این مقدار از واردات را نداشت. افزایش هزینه‌های دولتی نیز از دیگر پیامدهای اجرای برنامه‌ها ازجمله برنامه پنجم بود به‌گونه‌ای که در دولت آموزگار با تغییر رویکرد به سوی اتخاذ سیاست‌های ریاضتی تمایل شد هرچند افزایش نارضایتی‌های داخلی مجالی برای اجرای برنامه ششم باقی نگذاشت و با وقوع انقلاب پرونده برنامه‌های توسعه پنج‌گانه ایران در سال ۱۳۵۷ بسته شد. در ۱۰ سال نخست پس از انقلاب کشور بدون برنامه توسعه‌ای اداره شد. در برنامه‌های توسعه کشور که پس از اتمام جنگ و از سال ۱۳۶۸ اجرائی شد، توجه به رشد اقتصادی کشور و آزادسازی اقتصادی و خصوصی سازی در دستور کار برنامه‌نویسان قرار گرفت. هرچند در این دوره نیز اثرات زیست‌محیطی اقدامات توسعه‌ای به‌جد مورد توجه قرار نداشت و تدوین برنامه‌ها بر اساس آمایش سرزمین طراحی نشده بود و برای رفع ناپایداری‌ها و ناموزونی‌ها در فرایند توسعه کشور اقدامات مؤثر و کارشناسی شده‌ای به اجرا درنیامد. تورم هم در طول برنامه ششم رشد بی‌سابقه‌ای داشته و بر شمار فقرا و اقشار آسیب‌پذیر نیز به‌شدت افزوده شده است.

۱- پیش از طراحی برنامه هفتم لازم است تا سبب‌هاه و فهرستی کارشناسی‌شده از مسائل کلان کشور و مشکلاتی که جامعه ایران در این روزها با آن دست به گریبان است، به صورت کارشناسی‌شده و مطالعه‌شده تدوین شود. برای این مهم استفاده از ظرفیت‌های علمی و مطالعاتی کشور بسیار ضروری است. نقادی تجارب پیشین برنامه‌نویسی و اجرای برنامه‌های پیشین نیز وجه دیگری از مقدمات تدوین برنامه هفتم است.

ادامه در صفحه ۵